



پرستار فرشته رحمت بیمار است، این یک تعبیر واقعی است و به هیچ وقت مبالغه آمیز نیست. هم با جسم بیمار سر و کار دارد هم با روح بیمار.

«مقام معظم رهبری»



رزان فلسطینی است.

ساکن غزه است. او سینه‌به‌سینه خاطرات تلخ جنگ و ظلم را دریافت کرده و می‌داند و می‌داند سرسپردگی در برابر ظالم چیزی جز ظلم بیشتر و سرشکستگی بیشتر ندارد. او می‌داند چگونه این توده سرطانی به جان اجداد او افتاد و تاریشه‌کن نشود در جان نسل او هم خواهد ماند و شاید آنان را هم از پا دریاورد. او می‌داند تنها راه پیروزی در برابر ظالم، ایستادگی و مقاومت است.

رزان همسر است.

همسر یک مرد فلسطینی مبارز. او پیمان عاشقانه بسته برای ساختن زندگی در کنار همسر؛ زندگی‌ای آزاد و شاد و مملو از آرزوهایی برای آینده. دوشادوش همسر برای رنگ بخشیدن به آینده تلاش می‌کند.

رزان مادر است.

مادر، سربلندی فرزند خودش را می‌خواهد. مادر می‌خواهد او زندگی راحت و موفقی داشته باشد؛ حتی اگر خودش سختی بکشد و از جان مایه بگذارد. مادر می‌داند که رفتار او بزرگ‌ترین الگو و محور تربیتی برای فرزندش است؛ فلذا برای تربیت فرزند مبارز و آزاده بایستی خودش در عرصه مبارزه و آزادگی فعال باشد.

رزان روستایی است.

رزان ساکن روستایی است در نزدیکی مرزهای سرزمین مادری اشغال شده‌اش. مردم روستا عقب نمی‌نشینند. روستایی مبارز است؛ خورشید زمانی را به یاد ندارد که در آسمان باشد و روستایی را در حال تلاش نبیند. روستایی جان می‌دهد اما خاک اجدادی خود را نه. هر وجب روستا اثر دستان پدران اوست.

رزان پرستار است.

پرستار صفت فاعلی از پرستیدن است. شاید به این خاطر باشد که در جایگاه خدمت به بیمار، تمام فکر و حواس پرستار بهبودی او است. اما بنظر رزان واقعا چیزی را می‌پرستید. او آزادی، مبارزه و مقاومت را می‌پرستید. شاید بتوان گفت رزان داستان ما پرستنده مقاومت است.

او به ضرب گلوله تک‌تیراندازان رژیم سفاک صهیونیستی پر کشید. اکنون جایگاه فلسطین را می‌بیند؛ او با هر چه نزدیک‌تر شدن تحقق آرزوی آزادی فلسطین و نابودی صهیونیسم لبخند می‌زند و می‌داند که با خون خود بر تابوت صهیونیسم میخ محکمی کوبیده است. رزان‌ها این روزها در میدان زنانگی، مادری، همسری و پرستاری در کوچه‌پس‌کوچه‌های غزه و بیمارستان‌های معمدانی و شفا و در زیرآوارها، میخ‌های آخر این تابوت را کوبیده‌اند. فرزندان رزان‌های مقاومت به‌زودی در صحن مسجداقصی فریاد پیروزی سر خواهند داد.

به قیمت جان

این نامگذاری بسیار شگرف است!

کمترین مسئولیتی که حضرت زینب (سلام‌الله‌علیها) عهده‌دار آن بود، پرستاری از بیمار بود؛ اما مسئله در این جا خاتمه نمی‌یابد؛ بلکه ایشان وظیفه بزرگی همچون پرستاری از انقلاب و نهضت حسینی را ادا نمودند و در سخت‌ترین شرایط، نگهبان دین اسلام برای مسلمین بوده و حقیقت دین را در مقابل چشم جهانیان آشکار نمودند.

درست زمانی که ویروس کرونا در جهان شیوع پیدا کرده بود، فداکاری و وظیفه‌شناسی کادر درمان به‌ویژه پرستاران، نگرانی و مشکلات بسیاری را از جامعه زدود و شاهد یک آرامش نسبی در سطح جامعه بودیم.

در آن ایام بیمارستان به سنگر این جهادگران تبدیل شد و مخاطرات آن کم‌تر از دوران دفاع مقدس نبود؛ چرا که مأموریت خطیر نجات جان انسان‌های مبتلا به این ویروس را بر دوش داشتند.

در میان آن‌ها، یادگاران دوران دفاع مقدس هم دیده می‌شدند و آن‌ها، این عرصه را میدانی برای امتحان جدید پنداشته بودند و باز هم از جان خود برای حفظ (پاسداری) از سلامتی مردم مایه گذاشتند.

اکنون مجاهدت این قشر ایثارگر بر هیچ‌کس پوشیده نیست و همگی باید قدردان زحماتشان باشیم.

صلح و آرامش، آرزوی همه‌ی ملتهاست؛ در صورتی که گاه در جای‌جای جهان شاهد وقوع جنگ هستیم و کسانی که کمترین امکانات را برای حفاظت از خود دارند، بیش‌ترین صدمات را متحمل می‌شوند.

این‌روزها در سرزمین فلسطین شاهد هدف‌قرار گرفتن غیرنظامیان و حمله مستقیم به اهداف غیرنظامی از جمله مراکز درمانی و کادر درمان در نوار غزه از سوی نظامیان صهیونیست و شهرکنشینان مسلح هستیم و تاکنون دهها تن از آن‌ها مجروح و شهید شده‌اند.

بی‌تردید مصادیق مذکور نقض فاحش حقوق بین‌الملل بوده و دارای مسئولیت بین‌المللی برای آبران و عاملان آن است.

سکرتار و همکاران، پژوهشی و کنترل تأمین پاری ۱۴۰۰

پرستنده‌ی مقاومت

رزان کیست؟

بیش از ۵ سال می‌گذرد؛ ۵ سال از بال گشودن فرشته‌ای در لباس سفید. رزان التجار پرستار داوطلب فلسطینی که به تازگی طعم مادر بودن را چشیده‌بود، در اوایل دهه سوم زندگی خود رویای زندگی شیرین فرزندش در فلسطین آزاد را در سر می‌پروراند؛ شاید برای تحقق همین رویا بود که در مقابل ارتش خون‌ریز صهیونیستی داوطلبانه به یاری جوانان مقاومت شتافت و در آخرین پست فیسبوکی‌اش نوشت: «من برگشتم و عقب‌نشینی نخواهم کرد! با گلوله هایتان به من حمله کنید! من نمی‌ترسم».

رزان زن است.

در دنیایی که قدرت زنانه بیشتر به‌منزله ابزار و کالا بودن است، هستند امثال رزان‌ها که گوهر وجود خودشان را می‌شناسند، عرصه‌های خدمت را دقیق تحلیل می‌کنند، آرمان را مقدس می‌دانند، به میداين خانواده، علم و مبارزه با حضور خود رنگ احساس و لطافت می‌دهند و اجازه نمی‌دهند زورگو و مستکبری سرنوشت و هویت زنانه آن‌ها را تسخیر کرده و به صورت مطلوب ترسیم کند.



میخواهم بنویسم، می‌دانم درباره چه؛ اما چگونه را نمی‌دانم...
تصویری مقابل چشمانم نقش بسته و تا چشم کار می‌کند اشک است و آتش است و تشویش.

بانویی قامت خمیده را می‌بینم اما آرام است و مقتدر!
کسی را توان مقابله با آن شیرزن نیست؛ می‌خواهم بدانم آن بانو با آن همه کودک و زن بی‌پناه و تنها چه می‌کند؟
چند روزی همین‌طور بی‌هدف قلم می‌زنم می‌نویسم اما آن چیزی که می‌خواهم نمی‌شود...
انگار قلمم خشک شده، از جوهر یا فکر نمی‌دانم!
به اطراف نگاه می‌کنم، همان بانو را می‌بینم؛ مشخص است چند روز از واقعه دردناکی که برایشان اتفاق افتاده گذشته است، چهره‌اش از قبل شکسته‌تر شده، غم عمیقی از دیدنش بر دلم نشست...

مردی را می‌بینم که انگار بیمار است، او هم خسته است، شکسته است، دردمند است، آن بانو تیمارش می‌کند، نه تنها او را، ده‌ها کودک و زن هم هستند که آن‌ها را مانند مادری مهربان زیر سایه محبتش جای داده، زمان انگار سریع‌تر می‌گذرد و من یک نقطه مشخص ایستاده‌ام! می‌بینم که آن بانو در مجلسی ایستاده و سخنرانی می‌کند، از غمش چیزی کاسته نشده اما استوار است!

سخنانش را با جان و دل می‌شنوم؛ یک عبارت از آن در ذهنم ماندگار شده است: «ما ایت‌الا جمیلا»
تکرار این سخنش با گوشه‌ای از مصیبت‌هایی که شاهدش بودم، شگرف است، سخت است و باورکردنی...

هر چه می‌گردم نامی برایش نمی‌توانم بیابم، هر چه که بگویم گوشه‌ای از آن همه فداکاری و بزرگی و مقامش نمی‌شود.
گوشه‌ای غرق در آن چه دیده و شنیده‌ام، نشسته‌ام...

اصلا چه شد که به این‌جا رسیده‌ام، می‌خواستم بنویسم می‌دانم درباره چه اما چگونه نمی‌دانم...

آن واژه تا قبل از این دیده‌ها و شنیده‌ها توصیفش سخت بود، اما حالا که به این‌جا رسیده‌ام، به این نقطه، جایی که از نظرم درست‌ترین مسیر بود، مسیری که مرا به این رساند که موقع شنیدن یک واژه برایش یک تصویر مجسم داشته باشم...

«پرستار» آن واژه‌ای بود که می‌دانم چه هست اما نمی‌دانستم چطور آن را بنویسم...

حضرت زینب سلام الله علیها همان تصویر بی‌نقص از واژه پرستار است، آن حضرت نه تنها از حضرت زین العابدین علیه السلام بلکه از زنان و کودکان بی‌پناه هم در آن شرایط سخت پرستاری نمود، او پرستار و قهرمان جنگ سرد آن زمان بود و با سخنرانی‌هایش نگذاشت نهضت حسینی به فراموشی سپرده شود...

پرستاری عشق است و زینب گونه رفتار کردن نیز؛ از آنجایی که پرستاران با تمام مشکلات و کمبودهایی که در شغل خود دارند همواره در تلاش هستند در خدمت به مردم و بیماران لحظه‌ای کوتاهی نکنند. اما حقیقت این است که افراد شاغل در این حرفه با چالش‌ها و مشکلاتی مواجه‌اند که تا حدودی شرایط سختی را برایشان ایجاد کرده‌اند. لذا ما می‌خواهیم به گوشه‌ای از این مشکلات بپردازیم.

برخی از این مشکلات مربوط به دوران دانشجویی و برخی مربوط به دوره پس از آن یعنی زمان اشتغال‌اند.

از مشکلات دانشجویان ترم یک در دانشگاه، می‌توان به عدم وجود امکانات کافی در بحث آموزش اشاره کرد؛ به طوری که دانشجویان مجبورند بیشتر مباحث آموزشی را صرفاً در ذهن خود فرض کنند و یا امکانات آموزشی موجود آنقدر قدیمی هستند که عملاً غیرقابل استفاده‌اند.

از طرفی دانشجویان در بالین هم با مشکلات عیدهای دست‌وپنجه نرم می‌کنند؛ از جمله: مشخص نبودن شرح وظایف دانشجو در کارآموزی که باعث سردرگمی دانشجو در بخش شده و ناکارآمدی در پیگیری اهداف اصلی و افت کیفیت کارآموزی را به دنبال خواهد داشت.

مشکل دیگری که دانشجویان در بخش با آن درگیر هستند، تفاوت بین اهداف آموزشی در کارآموزی و انتظاراتی است که از آن‌ها می‌رود. به‌عنوان مثال در زمان آموزش، برای دارو دادن به بیمار گفته می‌شود که استفاده از دستکش ضروری است؛ درحالی‌که در بالین، چنین نیست و اکثر اوقات دانشجویان حتی اجازه استفاده از دستکش‌های بخش را ندارند.

این ناهماهنگی میان آموزش‌های نظری و کارهای عملی، مکرراً در حوزه‌های متعدد این رشته به چشم می‌خورد؛ به طوری که دانشجو همواره در تشخیص غلط و صحیح کار خود در انجام فعالیت‌ها سردرگم است.

نبود امکانات رفاهی کافی از دیگر معضلات دانشجویان پرستاری به‌ویژه دانشجویان دختر است؛ به‌عنوان مثال نبود اتاق استراحت و اتاق رختکن معضلی است که مازاد بر فشار جسمی، فشار روانی زیادی را به دانشجویان تحمیل می‌کند؛ به طوری که دانشجویان مجبور هستند روپوش خود را در سرویس بهداشتی بیمارستان عوض کنند که این اتفاق به هیچ‌وجه در شان یک دانشجو نیست.

از طرفی، بی‌توجهی پرستاران بخش به مسائل مهمی همچون اطلاع به دانشجویان در خصوص بیماری فرد بستری‌شده، شرایط بروز بیماری‌های واگیر و غیرواگیر را بین دانشجویان و سایر بیماران فراهم می‌کند.

این مسئله زمانی پررنگ‌تر می‌شود که پرسنل بخش از دانشجویان توقع دارند همه‌ی کارهای بیمار را انجام دهند و اگر چنین نکنند، از سوی آن‌ها مورد سرزنش و بی‌احترامی قرار می‌گیرند؛ و این در صورتی است که حضور دانشجو در بخش صرفاً جهت آموزش بوده و هیچ وظیفه‌ای در خصوص انجام کارهای بیماران بر عهده دانشجو نیست.

وجود علاقه و انگیزه از موارد مهم در راستای موفقیت دانشجو در بدو ورود به دانشگاه و گام‌های بعدی او می‌باشد. لذا مواجهه فرد با این مشکلات و همچنین چالش‌های پرستاران بخش، همچون استرس و فشار عصبی، خستگی جسمی، ارتباطات تنش‌زا، قرارگیری در معرض انواع بیماری‌ها و همچنین سطح پایین آسایش و آرامش شغلی و عدم پرداخت منصفانه حقوق و مزایا و از همه مهم‌تر عدم تناسب تعداد بیمار و پرستار، در بدو ورود به فضای این رشته، ممکن است باعث شود که دانشجو انگیزه‌ی خود را برای ادامه‌ی اشتغال در این حرفه از دست بدهد.

انگیزه کلید یادگیری و نیروی محرکه دانشجویان است؛ بنابراین هرگونه اقدام در جهت تقویت این نیروی محرکه در دانشجویان بسیار مؤثر و حائز اهمیت خواهد بود تا در آینده پرستارانی کارآمدتر داشته باشیم.

حیدر شایان، پرستاری ۱۴۰۰

نرجس عباسیان، پولوژی و کنترل ناقلین بیماری، ۱۴۰۰